

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش:

داکتر امین الدین سعیدی (سعیدی-افغانی)
دوکتور صلاح الدین سعیدی (سعیدی-افغانی)

بسم الله الرحمن الرحيم نکاح در اسلام ۵

خواستگاری

خواستگاری که قبل از ازدواج صورت می پذیرد عبارت از آن است: زمانی که مردی می خواهد با زن مورد نظرش ازدواج کند به نزد اقارب و خویشاوندان و نزدیکان زن رفته و خواهش خویش را مبنی بر ازدواج بیان می دارد، و با ایشان به بحث و گفت و گو در مورد موافقت با خواسته اش و شرایط آن می پردازد، بهتر این است که قبل از عقد طرفین همدیگر را ببینند تا دل های شان به سوی هم جلب شود و محبت و علاقه در بین آنان به وجود آید، تا هنگامی که کار از کار می گذرد پیشمان نشوند.

از مغیره بن شعبه روایت شده که زنی را خواستگاری کرد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: «إذهب فأنظر إليها، فإنها أجدر أن يودم بينكما» (برو به او نگاه کن و او را ببین چون این امر بهتر باعث سازش و دوام محبت در بین شما می گردد).

(صحیح سنن الترمذی: ۸۶۸)، (سنن نسائی: ۶/۶۹)

لازم است که ولی و سرپرست، (از قبیل پدر، جد و برادر و.....) موافقت زن خواستگار شده را که به سن بلوغ رسیده برای ازدواج با مرد خواستگار به دست آورد در این مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «الطيب أحق بنفسها من وليها والبكر تستامر وإذنها سكوتها» (بیوه زن مصلحت خود را بهتر از ولی و سرپرستش می داند، و دوشیزه هم باید برای ازدواج از او

اجازه گرفته شود. و همینکه دو شیزه سکوت نمود) و اعتراض نکرد سکوتش به معنی اجازه است) هر يك از طرفین مرد وزن بعد از خواستگاری و اعلان موافقت، می تواند پیشمان شود و اگر یکی از آنها پیشمان شد هدایائی که به يك دیگر داده اند و با قیماندنی است، مانند طلاجات و زینت آلات باید مسترد گردد، اما چیز های که قابل دوام نیست، مانند شیرینی و غذا و عطر های صرف شده چیزی بابت آنها پرداخت نمی گردد.

چنانچه گفته آمدیم در فاصله بین خواستگاری و عقد ازدواج جایز نیست مرد وزن با هم تنها باشند و در يك مکان خلوت کنند، چون تا زمانی که عقد ازدواج انجام نگیرد، این دو با هم بیگانه هستند. چون خواستگاری وعده به ازدواج است، خود ازدواج نیست.

کفالت :

یکی از شرایط ازدواج این است که باید مرد کفاً و همسان با زنی باشد که می خواهد با او ازدواج نماید. کفالت در لغت به معنی مساوات و همسانی است، کفالت باید در نسب و مال باشد، و شرف علم بالاتر از نسب است. کفالت در مال این است، که مرد قدرت تأمین مهر و نفقه زن را داشته باشد، ثروتمندی شرط کفالت نیست بلکه تنها قدرت تأمین نفقه و مهریه شرط معتبر می باشد.

وقتی زن بدون اجازه ولی شرط کفالت را نادیده بگیرد، ولی حق دارد که تقاضای فسخ نکاح او را بنماید.

سرور و شادمانی در مراسم نکاح :

مراسم عقد نکاح باید با سرور و با خواندن های مباح و زدن دف در بین مردم اعلان گردد. در حدیث متبرکه از حضرت بی بی عائشه (رضی الله عنها) از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم روایت فرموده است آمده : « اعلنوا هذا النکاح واجعلوه فی المساجد واحتربو علیه الدف » (رواه احمد و الترمذی).

همچنان در حدیث متبرکه دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است :

« اعلنوا النکاح » (ازدواج را اعلان کنید) (صحیح سنن ابن ماجه : ۱۵۳۷)، (صحیح ابن حبان : ۳۱۳ / ۱۲۸۵)

و در حدیث دیگری از خالد بن ذکوان روایت است : ربیع بنت معوذ بن عفره گفت :

« جا ء النبي صلى الله عليه وسلم يدخل حين بني علي ، فجلس على فراش كمجلسك مني ، فجعلت جوهريات لنا يضربن بالدف ويندبن من قتل من آبائي يوم بدر ، إذ قالت إحداهن :وفينا نبي يعلم ما في غد. فقال: دعي هذه وقولي بالذي كنت تقولين » (وقتی که به خانه داماد برده شدم پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من آمد ، وروی فراشی نشست همچون نشستن تو از من. دختر نیمه جوان ما دَف (دایره) می زدند و خوبیهایی پدرانشان را که در روز بدر کشته شده بودند یاد آور می شدند، در این حال یکی از آنها گفت : در میان ما پیامبری است که از آینده خبر دارد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که این سخن را ترك کن و آنچه را که قبلاً می گفتمی بگو. » (حدیث صحیح : اداب الزفاف: ۱۰۸) ، (صحیح امام بخاری : فتح الباری (۵۱۴۷ / ۲۰۲ / ۹) (سنن ابو داود) عون المعبود: (۴۹۰۱ / ۲۶۴ / ۱۳) ، (سنن الترمذی : ۱۰۹۴ / ۲۷۶ / ۲) .
همچنان در حدیث دیگری می فرماید:

« فصل ما بین الحلال والحرام الدف والصوت في النكاح » (تفاوت میان حلال و حرام در ازدواج دَف و آواز است) (صحیح سنن ابن ماجه : ۱۵۳۸) ، (سنن نسائی : ۱۲۷ / ۶) ، (سنن ابن ماجه : ۱۸۹۶ / ۶۱۱ / ۱) ، (۱۰۹۴ / ۲۷۵ / ۲) .

سیرت نویسان مینویسند که :

در یک عروسی حضرت عایشه -رضی الله عنها- فارعة دختر اسعد -رضی الله عنها- را در مراسم عروسی اش به منزل شوهر وی نبیط بن جابر انصاری برد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم به او فرمود: (یا عائشة، ما كان معكم لهو؟! فإن الأنصار يعجبهم اللهو) یعنی: «ای عایشه! آیا همراه شما سرگرمی (دَف و غیره) نبود؟ زیرا انصار، سرگرمی را دوست دارند.» (بخاری)

در روایتی آمده است که آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: (فهل بعثتم معها جارية تضرب بالدف، وتغني؟) یعنی: «آیا کنیزی را با او روانه ساختید تا دَف بزند و آواز بخواند؟» حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: او چه باید می خواند یا رسول الله؟ فرمود: باید چنین می خواند:

(أتيناكم أتيناكم فحيونا نحييكم
ولولا الذهب الأحمر ما حلت بواديكم

ولولا الحنطة السمراء ما سمنت عذاریکم)

معني شعر: «ما آمديم، ما آمديم، سلام و درودمان گوئيد تا سلام و درودتان گوئيم

اگر طلاي سرخ نبود آراسته نمي گشت بيابان هاي تان

و اگر گندم هاي طلائي نبود دوشيزگانان فربه نمي گشتند.»

يادداشت :

خواننده محترم !

در شرع اسلام استفادة از دف در مراسم عروسي جايز مي باشد. ولی با تأسف بايد گفت که: برخي از فاميل ها در محافل عروسی، اقدام به چنان اعمالی مي کنند و به برپاکردن عروسی مختلط مرد وزن در سالون های عروسی می پردازند ، وبا ، آوردن نوازندگان و رقاصه ها، نوشیدن مشروبات الکلي، می پردازند که ، از لحاظ شرع اسلام جايز و پذيرفتني نبوده وحتی در زيادتر از موارد حرام هم مي باشد و حتي در احاديث نبوی به اجتناب از آن ها امر شده است .

ممانعت از مصارف گزاف برای ازدواج

هما نظوری که ملاحظه فرموديد که ازدواج امر مقدس وسنت پیامبر صلی الله عليه وسلم است ولی در جنب آن از مصارف گزاف در عروسی ممانعت به عمل آمده است. در کشور عزیز ما افغانستان هستند، بعضی خانواده ها که مخارج زیادی را از پسر برای ازدواج دخترانشان مي طلبند، و فراموش مي کنند و يا نميفهمند که خير و برکت در مخارج کمتر و مهریه کمتر در ازدواج مي باشد، و همچنین پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمودند: « من لا یرحم الناس لا یرحمه الله » (متفق علیه)، یعنی: (کسی که به مردم رحم نمي کند خداوند نیز به او رحم نميکند).

پس اینهایی که رحم دلی برای این پسری که تازه مي خواهد زندگیش را شروع کند ندارند چگونه امید دارند تحت مرحمت خداوند قرار گیرند؟! بنابراین این اشخاصی که در مسائل ازدواج هنگام خواستگاری دخترشان بر پسر فشار مي آورند و سختگیری مي کنند چه بسا که روزی برسد که هنگام خواستگاری پسرشان نیز به همانگونه با آنها رفتار شود .

نکاح در بین دو عید :

نکاح بین دو عید هیچ گونه **ممانعت شرعی** نداشته پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بعد از ماه رمضان در ماه شوال با بی بی عایشه (رض) نکاح کرد و در همان ماه زفاف نمود. و حتی علماء بدین باور آند که نکاح در ماه شوال مستحب هم می باشد.

شب زفاف

مستحب است که داماد با همسرش در شب زفاف ملاطفت کند مثلاً به او شربت و شیرینی و مانند آن بدهد؛ در حدیث متبرکه از اسما ء بنت یزید آمده است : « **إني قینت عائشة لرسول الله صلی الله علیه وسلم ثم جنّته فدعوته لجلو لها ، فجا ء فجلس إلی جنبها ، فأتی بعس لبن ، فشرّب ثم ناولها النبی صلی الله علیه وسلم فخفضت رأسها واستحیت ، قالت أسما ء : فانتهرتها وقلت لها ، خذي من ید النبی صلی الله علیه وسلم قالت : فأخذت فشربت شیئاً** » (عایشه را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم مزین کردم ، سپس نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم ، و او را برای دخول بر عایشه دعوت کردم ، آمد و کنار نشست ، سپس ظرفی بزرگ از شیر آورده شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن خورد و به عایشه داد ، عایشه سرش را پائین انداخت و شرم کرد اسما ء گوید : بر سر او داد زدم و گفتم ظرف شیر را از دست پیامبر صلی الله علیه وسلم بگیر .

اسما ء گوید : عایشه شیر را گرفت و کمی از آن را نوشید » (از کتاب آداب الزفاف علامه البانی الحمید: (۳۶۷ / ۱۷۹ / ۱) ، احمد فتح الباری ۶ / ۴۳۸ / ۴۵۸ و ۴۵۳ و ۴۵۲) .

یکی دیگر از سنت های زفاف این است که داماد دستش را روی پیشانی همسرش قرار دهد و بسم الله بگوید و از خدا طلب برکت کند. و دعائی زیر را که در حدیث آمده است قرائت کند « **اللهم إني أسألك من خیرها وخیر ما جلبتها علیها ، وأعوذ بك من شرها وشر ما جلبتها علیها** » (یعنی : خداوند ! خیر او و خیر آنچه در او آفریده ای را از تو می خواهم و به تو از شر او و شر آنچه در او آفریده ای پناه می برم) .

همچنان سنت است دو رکعت نماز نفل به هم بخوانند . همچنان سنت است که در هنگام آمیزش بگویند :

« **بسم الله اللهم جنبنا الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنا** » (به نام خدا ، خداوند ! شیطان را از ما و از آنچه به ما عطا می کنی دور بگردان) پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است « **فإن**

قضی بینهما ولد لن یضره الشیطان ابدا» اگر طفل از آن دو متولد شود، شیطان هرگز به او ضرر نمی رساند. (صحیح امام بخاری: ۵۱۶۵ / ۲۲۸ / ۶۹)، (صحیح امام مسلم: ۱۴۳۴ / ۱۰۵۸ / ۲)، (سنن ابوداود) عون المعبود: (۲۱۴۷ / ۱۹۷ / ۶)، (سنن الترمذی ۱۰۹۸ / ۲۷۷ / ۲)، (سنن ابن ماجه: ۱۹۱۹ / ۶۱۸ / ۱).